

۹۳/۳/۱

• دریافت

۹۴/۸/۱۸

• تأیید

## نگاهی به مسأله استعمار در اشعار مهدی اخوان ثالث و مفدی زکریا

محمدامیر عبیدی نیا\*

زهرا نوری\*\*

### چکیده

در ادبیات ایران، مهدی اخوان ثالث (م.امید، ۱۳۰۷-۱۳۶۹) و در ادبیات الجزایر، مفدی زکریا (۱۹۰۸-۱۹۷۷) از شاعرانی هستند که مشخصه بارز شعرشان توصیف تاریخ اجتماعی و سیاسی است، و در متن این جریانات و مهم‌ترین وقایع را در شعرشان منعکس کرده‌اند. یکی از مسائل مهم که در شعر هر دو به وضوح آشکار است پرداختن به استعمار است. اخوان ثالث، روایت‌گر حضور استعمار انگلیس و آمریکا و زکریا روایت‌گر حضور استعمار فرانسه است. این مقاله برآن است تا بیان دارد که جلوه‌های استعمار در شعر دو شاعر چیست؟ براساس مکتب ادبیات تطبیقی، دو شاعر، استعمار را با چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در شعرشان ترسیم کرده‌اند؟ و واکنش آنها به حضور استعمار در جامعه چگونه است؟ نتایج بررسی نشان می‌دهد: اخوان به زبانی نمادین و تمثیلی و زکریا با تصاویر شاعرانه از استعمار پلید بر جامعه سایه انداخته سخن گفته‌اند؛ اما یک تفاوت محسوس در شعر آنها دیده می‌شود که اخوان از حضور استعمار به یأس گراییده و روحیه مقاومت را از دست داده و در اشعارش فضای یأس‌آمیز و غمناک بعد از چیرگی استعمار را وصف کرده ولی زکریا روحیه‌ای امیدوار دارد و اشعارش گویای مقاومت در برابر استعمار است.

### واژگان کلیدی:

استعمار، اخوان ثالث، مفدی زکریا، یأس، مقاومت.

m.obaydinia@mail.urmia.ac.ir

\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه.

\*\* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه ارومیه.

## مقدمه

واژه استعمار در لغت به معنی طلب عمران و آباد کردن است. در این معنا معادل معنای اولیه کولونیزاسیون است که مقصود از آن مهاجرت گروهی از یک کشور و تشکیل یک واحد مسکونی جدید در سرزمین‌های تازه است اما معنای دیگر و رایج‌تر که امروزه به کار می‌رود تسلط سیاسی، نظامی و اقتصادی یک ملت قدرتمند بر یک سرزمین یا قوم یا ملت ضعیف است (آشوری، ۱۳۵۸: ۱۵) با حضور استعمارگری غرب در جهان شرق توجه به مسأله استعمار و به طور کل ادبیات مقاومت شکل گرفت و شاعران متعهد که شعرشان از اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه تأثیر می‌گرفت، در آثارشان به شکل‌های متعدد از حضور بیگانه گفتند.

در ایران، حضور کشورهای بیگانه تقریباً از زمان صفویه آغاز شد اما استعمار به معنای اصطلاحی و امروزی آن از دوره قاجار فعالیت خود را در کشور آغاز کرد و در دوران پهلوی حضور پر رنگی داشت. توجه به این مسأله در ادبیات مشروطه مطرح شد و شاعران از جلوه‌های استبداد داخلی و استعمار خارجی سخن گفتند، در دوران پهلوی نیز که شاعران اغلب عضو احزاب مختلف بودند و در صحنه سیاسی و اجتماعی فعالیت داشتند طبیعتاً اشعارشان نمایانگر مسائل اجتماعی و سیاسی بود. مهم‌ترین اتفاق تاریخی مرتبط با مسأله استعمار کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ بود که به عنوان یکی از برجسته‌ترین گره‌گاه‌های تاریخ معاصر ایران، مبدأ تاریخی مهمی در حیات شعر نو فارسی به شمار آمد، شعر نو که از آغاز دهه ۲۰ در طی مبارزات ملی به یکی از اوج‌های تاریخی خود رسیده بود با کودتا غرق در نفرت و یأس شد. با وقوع کودتا نهضت ملی مصدق سقوط کرد «او همان مردی بود که وقتی به مقام نخست‌وزیری رسید و بر سریر قدرت جا گرفت تصمیم گرفت که آرزوی دیرین ملت ایران را در طرد استعمار حيله‌گر و کهنه‌کار انگلیس جامعه عمل بپوشاند» (نجمی، ۱۳۷۷: ۳۳) اما بعد از کودتا هرگز نتوانست به صحنه سیاست برگردد و دوباره سایه سیاه استعمار بر ایران افتاد. این شکست تلخ در شعر معاصر

که با اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه رابطه تنگاتنگی داشت به سرعت در اشعار شاعران منعکس شد، اما بیشترین انعکاس را در شعر اخوان داشت «شعر اخوان از این نظر قابل توجه است. بدبینی به غرب و تقبیح هجوم استعماری قدرت‌های سلطه‌جوی غربی از برجسته‌ترین مظاهر استعمارستیزی در شعر اخوان است. او در بسیاری از اشعارش آشکارا و نهان به این درون مایه می‌پردازد» (زارع، ۱۳۸۷: ۱۳۸) به طور کلی باید گفت کودتا بر همه شاعران دهه سی تأثیر گذاشته است اما «میزان این تأثیر بر شعر هیچ یک از شاعران آن زمان به اندازه شعر اخوان مستقیم نیست» (حقوقی، ۱۳۷۶: ۱۲)

در تاریخ معاصر عرب نیز استعمار، حضور رنگین و ننگین دارد حمله ناپلئون به مصر در سال ۱۷۹۸ نقطه عطفی در تاریخ معاصر مسلمانان و عرب‌ها به شمار می‌آید و این واقعه، آغاز هجوم استعماری غرب در همه ابعاد و جوانب به جهان اسلام بود (موثقی، ۱۳۷۴: ۸۷). از آن به بعد بیشتر کشورهای عربی در همه ابعاد زندگی با این مسأله درگیر بودند، همزمان با آن نیز روحیه مقاومت در آنها شکل گرفت و مردم به مبارزه با آن پرداختند. «از جمله کشورهایی که مورد تعرض وحشیانه و ظالمانه قرار گرفت کشور الجزایر بود که یکی از بزرگترین انقلاب‌های قرن بیستم در جهان عرب در آن کشور به وقوع پیوست و در حافظه تاریخ مبارزه با استعمار تا ابد باقی ماند» (قادری، ۱۳۸۹: ۲۴۰). کشور الجزایر با پیشینه کهن تاریخی، یکی از کشورهای عربی است که شاهد بزرگ‌ترین انقلاب‌ها در جهان عرب و در قرن بیستم بوده است، انقلابی که با جوانمردی، از خودگذشتگی و جان‌فشانی مردان و زنان به حضور ۱۳۰ ساله استعمار فرانسه خاتمه داد و در فراندوم اول ژوئیه ۱۹۶۲ استقلال را برای این کشور به ارمغان آورد (مجیدی سلوکی، ۱۳۷۵: ۲۷-۳۰) و در همان سال بعد از کشمکش‌هایی، فرانسویان به کشورشان برگشتند و تاریخ استعماری الجزایر به پایان رسید (توکلی، ۱۳۸۵: ۷۴). به گفته صاحب‌نظران، انقلاب مردم الجزایر، انقلابی بود که دشمنان به نمونه بودن

آن در تاریخ اعتراف کردند و آن را معجزه قرن بیستم خواندند (خمار، ۲۰۰۰: ۱۰۳). تمامی قشرهای جامعه الجزایری در انقلاب، شکل‌گیری و ساماندهی مقاومت مردم نقش داشتند که در این میان نقش شاعران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به گونه‌ای که می‌توان گفت شعر الجزایر با وقایع جامعه همگام شد و همچون آینه‌ای شفاف، صادقانه، عواطف و مبارزه ملت را منعکس کرد (درار، ۱۹۸۴: ۱۴۷). مخصوصاً اینکه همزمان با گسترش سلطه استعمارگران روحیه مقاومت در شاعران متعهد بیدار شد و ادبیات مقاومت شکل گرفت و شاعران پایه‌پای مردم در عرصه انقلاب حضور یافتند «و بالنسبه لثوره الجزایر حضر الأدباء بشکل بارز و إتحدوا مع الشعب فی هذه المقاومه، فقد اختارو سبیل الثوره و التحقوا بصفوفها و أهدوا الشهداء فی سبیل الوطن و الحریه» (دوغان، ۱۹۹۶: ۳۱) در این دوره، شاعران به اشکال مختلف حضور استعمار را در کشور توصیف کردند و چهره پلید آن را در اشعارشان نشان دادند و مردم را به مقاومت فراخواندند. «عندما ابتليت الشعوب بالاستعمار و الاحتلال قام الشعراء به مقاومه أسالیب إستعمار و فضح جرائمه و حث الشعب علی مناهضه الطغاه و المستبدین و المستعمرین و تأکید إرادته الحیاه و الصمود و تمجید الشهاده و الشهداء و التشبث بالأرث و الجذور و تعزيز الوحده الوطنیه و التفاؤل بالنصر علی الأعداء» (السید، د.ت: ۵). یکی از این شاعران برجسته که به دلیل احساسات صادقانه و حضور فعال در این مبارزه و خلق تصاویری بی‌نظیر، جایگاه خاصی را در شعر مقاومت الجزایر به خود اختصاص داده است مفدی زکریا است. زکریا همچون اخوان دوران اوج شاعری‌اش در سلطه استعمار گذشته است. در این مقاله، شعر اخوان و زکریا در موضوع استعمار بررسی شده و شباهت‌ها و تفاوت‌ها در نگرششان به این و نحوه اظهار آن بیان می‌شود. مواد پژوهش، دفترهای شعر اخوان ثالث و مفدی زکریا است. در شعر اخوان ثالث دفترهای ارغنون، زمستان، آخر شاهنامه و از این اوستا، در آثار مفدی زکریا دو دیوان مهم او *الیاذه الجزایر و اللهم المقدس* با توجه به اینکه محتوای سیاسی و اجتماعی داشتند به عنوان مواد پژوهش استفاده شدند.

**پیشینه تحقیق:** اخوان ثالث از شاعران برجسته معاصر است که اشعارش بارها با موضوع‌های مختلف بررسی شده و پژوهش در مسائل اجتماعی و سیاسی شعر او محور مقاله‌های بسیاری بوده است. دو مقاله در این زمینه یافت شد که مستقیماً در آنها شعر اخوان با دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی‌اش بررسی شده است. مقاله «لکه ابر عابر آفاق نوید نگاهی به شعر اخوان با تکیه بر تاثیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، از جمشید مظاهری، محمود براتی و غلامرضا فولادی، در مجله مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۴۱، سال ۱۳۸۴ و مقاله «تحلیل و بررسی سروده نادر یا اسکندر اخوان ثالث»، از سید احمد پارسا، در مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، ش ۵۵، سال ۱۳۸۸ چاپ شده است.

همچنین در زمینه ادبیات تطبیقی، اخوان پرکاربردترین شاعر است و شعر او با ادبیات کشورهای مختلف مخصوصاً ادبیات عرب بسیار به صورت تطبیقی مقایسه شده است. اما تاکنون شعر او با شاعران الجزایر بررسی نشده است. چند مقاله تطبیقی در نشریه‌ها یافت شد که ارتباطی با این موضوع داشت، از جمله مقاله «ناکامی‌های سیاسی، اجتماعی انسان معاصر در شعر مهدی اخوان ثالث و عبدالوهاب البیاتی» از شهریار باقرآبادی و علی سلیمی در فصلنامه پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، شماره ۱۶، سال ۱۳۹۳ مقاله «دغدغه‌های اجتماعی شعر عبدالوهاب البیاتی و مهدی اخوان ثالث» از فرهاد رجبی، در مجله زبان و ادبیات عربی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، ش ۴، ۱۳۹۰ مقاله «دغدغه‌های سیاسی در شعر بدر شاکر سیاب و مهدی اخوان ثالث» از جهانگیر امیری، فاروق نعمتی، در نشریه نقد و ادبیات تطبیقی، ش ۲، ۱۳۹۰ مقاله «بررسی و مقایسه اشعار اجتماعی و انسان‌گرایانه مهدی اخوان ثالث و ایلیا ابوماضی» از ناصر محسنی‌نیا فائزه رحیمی، در نشریه ادبیات تطبیقی، ش ۶، ۱۳۹۱ چاپ شده‌اند. در هیچکدام از این مقاله‌ها، استعمار از موضوعات کلیدی نبوده است و

مقاله‌ای با این عنوان در شعر او نوشته نشده است اما پژوهشگران در بررسی‌ها به دیدگاه‌های سیاسی اجتماعی شاعر، اشاره کردند.

درباره ادبیات الجزایر نیز پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است اما در این پژوهش‌ها مسأله استعمار بررسی شده مانند مقاله «ملاحم المقاومة ضد استعمار فی شعر الربیع بوشامه» از علی ضیغمی، آمینه سلیمانی و رحیم کثیر که در مجله *الجمعیه العلمیه الایرانیه للغه العربیه و آدابها*، ش ۳۱؛ ۱۳۹۱ چاپ شده است در این مقاله، نگارندگان مؤلفه‌های ضداستعماری بوشامه را که یکی از شاعران مقاومت الجزایر است بررسی کرده‌اند. همچنین مقاله «جنگ به روایت زنان: بررسی روایت جنگ الجزایر در آثار آسیه جبار» از فریده علوی و زینب رضوان طلب، در نشریه *زن در فرهنگ و هنر*، ش ۳، ۱۳۹۲ چاپ شده است و نگارندگان در خلال آن به موضوع استعمار پرداخته‌اند؛ اما در مورد مفدی زکریا تنها دو مقاله در داخل ایران یافت شد که هر دو توسط فاطمه قادری نوشته شده است با عنوان «مفدی زکریا و شعر مقاومت الجزایر» که سال ۱۳۸۹ در نشریه *ادب پایداری* دانشگاه کرمان به چاپ رسیده است. همچنین مقاله «صورمن الأثر القرآنی لدی مفدی زکریا شاعر الثوره الجزایریه» که در مجله *کاوش‌نامه* دانشگاه یزد در ۱۳۸۵ چاپ شده است. هر دو مقاله نیز با محوریت مقاومت در شعر مفدی زکریا تدوین شده است و در این مقاله نیز از آنها استناد شده است. علاوه بر این همین نویسنده در مقاله «فلسطین در شعر معاصر الجزایر» که در مجله *ادب عربی*، ش ۲، ۱۳۹۰ چاپ شده است، توصیف‌هایی شاعران الجزایر را از فلسطین آورده است و از مفدی زکریا نیز قصیده‌ای ذکر کرده که در آن از فلسطین و مقاومت آنها می‌گوید. اما مقایسه شعر او نه تنها با اخوان ثالث بلکه با هیچ شاعر فارسی زبان صورت نگرفته است و این پژوهش می‌تواند گامی کوچک در شناساندن اندیشه‌های دو شاعر باشد.

## زندگی و آثار دو شاعر

مهدی اخوان ثالث، با نام هنری «م.امید» از شاعران نامی ادبیات معاصر است که شهرت و اعتبارش به خاطر شعرهای نو نیمایی اوست شعرهایی که از همان آغاز برای وی شهرت و محبوبیت بی نظیری به ارمغان آورد و از وی چهره‌ای ساخت شاخص و مانا. چهره‌ای که به مدت دو دهه مهم‌ترین و تأثیرگذارترین چهره شعر نو ایران بود (ترابی، ۱۳۸۱: ۱۰۳). بنا به قولی در سال ۱۳۰۷ در مشهد دیده به جهان گشود. شاعری را به طور جدی از سال ۱۳۲۵ با سرودن شعرهایی در قالب سنتی آغاز کرد. تا سال ۱۳۲۶ را در مشهد گذراند، بعد از آن به تهران آمد.

زندگی اخوان با ورود به تهران معنایی دگرگونه می‌یابد و نوع نگاهش به کل جهان و انسان تغییر می‌کند در تهران با شعر نیمایی آشنا می‌شود و در کنار تغییر سبک شاعری به فعالیت‌های سیاسی که در مشهد آغاز کرده بود ادامه می‌دهد، با اوج‌گیری مبارزه‌های ملی و چپ در سال ۱۳۲۸ اخوان نیز وارد نبردهای اجتماعی می‌شود و در جبهه‌های حزبی فعالیت می‌کند تا اینکه با وقوع کودتا به زندان می‌افتد (دست‌غیب، ۱۳۷۳: ۹) بعد از آزادی از زندان با دیدن اوضاع نابه‌سامان جامعه در ناامیدی فرو می‌رود و شکست تاریخی را با اشعارش به تصویر می‌کشد. در این دوران است که به اوج شاعری می‌رسد، براهنی گفته است «وقتی اخوان روایت شکست را، غزل شکست را، قصیده شکست را ... تأمل و تغزل شکست را می‌سراید شاعر می‌شود» (براهنی، ۱۳۷۱: ۱۲۴). هشت دفتر شعری از او باقی مانده است: *ارغنون* (۱۳۳۰) / *زمستان* (۱۳۳۵) / *آخر شاهنامه* (۱۳۳۸) / *از این اوستا* (۱۳۴۴) / *در حیاط کوچک پاییز در زندان* (۱۳۵۷) / *زندگی می‌گوید اما باز باید زیست* (۱۳۵۷) / *دوزخ اما سرد* (۱۳۵۷) / *ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم* (۱۳۶۸) از این مجموعه‌ها اخوان بعد از *ارغنون* در سه دفتر *آخر شاهنامه* و *زمستان* و *از این اوستا* به مسأله استعمار توجه نشان داده است.

مفدی زکریا در سال ۱۹۰۸ م در روستای «بنی یسجن» یا «بنی یزقن» از

توابع «وادی میزاب» واقع در جنوب الجزایر متولد شد. بعد از اتمام تحصیلات ابتدایی به تونس رفت و بعد از فراغت از تحصیل به کشور خود بازگشت و به جبهه آزادی بخش ملی پیوست و به مبارزه علیه استعمار فرانسه پرداخت. در طول مقاومت خود پنج بار زندانی شد تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۵۹ از زندان گریخت و به صفوف مبارزان جبهه آزادی بخش در خارج از کشور پیوست و پس از استقلال الجزایر بعد از مدتها سرگردانی در تونس اقامت گزید و در سال ۱۹۷۸ بر اثر سکت قلبی از دنیا رفت (قادری، ۱۳۸۹: ۲۴۴-۲۴۵) او در ادبیات به «ابن تومرت» و در انقلاب به «شاعر الثورة الجزایریه» لقب یافته است. آثار بسیاری در حیطة شعر دارد، دیوان‌های او *أهازيج الزحف المقدس، انطلاقه، الخافق المعذب، محاولات طفوله، تحت ظلال الزیزفون و الیاذه الجزایر است* (دوغان، ۱۹۹۶: ۲۹۷) از میان اینها دیوان *اللهب المقدس، أهازيج الزحف المقدس، انطلاقه و الیازه الجزایر* اشعار سیاسی و ملی است و به مسأله استعمار در آن پرداخته است، مهم‌ترین آن *اللهب المقدس* است که به دیوان *الثورته الجزایریه* معروف شده است.

### تشابهات دو شاعر در مضامین شعری

در شعر هر دو شاعر مضامین سیاسی اجتماعی از مضامین اصلی است، وقتی شعرهای اخوان را با تأمل بخوانیم دانسته می‌شود که در عرصه شعر، او یک شاعر سیاسی است بی‌آنکه به سیاست چندان گرایش یا از آن چندان اطلاعی داشته باشد (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۱۵۴). اخوان از وقتی که در شاعری سرآمد گشت با جریان‌های سیاسی آشنا شد و در اشعارش به مهم‌ترین دغدغه‌های اجتماعی مردم توجه کرد، بهترین طریقی که اخوان برای بیان دغدغه‌هایش انتخاب کرد روی آوردن به سمبولیسم (نمادگرایی) و تمثیل‌پردازی بود، «مخصوصاً فضای خفقان آلود پس از کودتای ۲۸ مرداد، شرایط را برای ظهور این گرایش شعری کاملاً فراهم کرد. دوره اوج این گرایش دهه سی و چهل است» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۵۳۳) اخوان



هم پس از سال ۳۲ به زبان تمثیلی روی آورد (محمدی آملی، ۱۳۷۷: ۱۱۷) و در اشعارش چهره حکومت استبدادی دوره پهلوی دوم وابسته به استعمار انگلیس و امریکا را با تمثیل و نماد ترسیم کرد.

شعر او مدام از وقایع و حوادث سیاسی که در کشور می‌گذرد، بارور است مخصوصاً شور و هیجان مردم، دسته‌ها و احزاب، قبل از کودتا و بهت‌زدگی و یأس عمیق و شکسته‌دلی جوانان در سال‌های پس از کودتا و نارضایتی‌های مردم در آثارش نمود دارد، شعر او را در این زمینه باید به قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تقسیم کرد. قبل از کودتا که دوره کوتاهی است روحیه مقاومت و مبارزه‌طلبی در شعر او دیده می‌شود اما روح دل‌شکستگی در برابر استعمار در شعرهایش با وقوع کودتا آغاز می‌شود، بعد از آن محتوا و مضمون و پیام و رسالت شعر او، همچنان که خود بارها و بارها گفته و ناقدان شعرش نیز معتقدند، شکست‌ها و تجربه‌های همه تلخ است، حنجره زخمی او فریاد خونین نسلی شکسته و نومید و سرخورده را باز می‌گوید: «کودتای ۲۸ مرداد و پی آمده‌های آن برای نسل اخوان بیش از یک شکست، سرآغاز یک دوره طولانی وهن و خفت اخلاقی بود که بسیاری از افراد نسل اخوان در معرض آن قرار گرفتند» (دریابندی، ۱۳۸۵: ۲۴۸) و چهره اخوان بعد از کودتا چهره «نومید از مردم، پرخاشگر، خشمگین، اندوهگین، گرفتار یأس اجتماعی و دارای رویکرد خوشباشی‌های تحذیری است» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۱۱۰).

مفدی زکریا نیز در ادبیات الجزایر معروف به شاعر سیاسی است. زمانی که کشور با مسأله استعمار روبه‌رو شد و روحیه مقاومت در مردم شکل گرفت، هر کدام از اقشار ملت به نوعی در مقاومت علیه استعمار شرکت می‌کردند، برخی با سلاح، برخی با فکر و زبان، برخی با زبان شعر (رکیبی، ۱۹۸۱: ۱۳) زکریا در هر نوعی با استعمار مقابله کرد اما بیش از همه به شاعر سیاسی معروف است که البته شعرش برگرفته از مبارزات اوست. «شعر مفدی زکریا برخاسته از عمق روح و جان

وی بوده و زندگی عادی سیاسی و مبارزاتی وی را به نمایش می‌گذارد» (قادری، ۱۳۸۹: ۲۴۵). انعکاس استعمار فرانسه در شعر او مضمون اصلی و اندیشه غالب شعر اوست. تأثیر شعر وی بر حوزه مقاومت الجزایر تا آنجاست که برخی معتقدند آغاز جنبش ملی الجزایر با قصیده فدائیان الجزایر توسط او آغاز شده است. زمانی که او در زندان با خون خود شعر می‌نوشت، مردم به او نشان جهاد دادند و او را «شاعر انقلاب الجزایر» و دیوانش را «دیوان الجزایر» نامیدند (بیظام، ۱۹۹۸: ۱۷۱).

### بررسی اشعار

مسأله استعمار در شعر دو شاعر با توجه به اشعارشان در سه مورد قابل بررسی است: ۱- مقاومت در برابر استعمار ۲- بازنمود چهره استعمار ۳- واکنش به حضور استعمار.

### مقاومت در برابر استعمار:

در شعر اخوان مسأله استعمار با استبداد داخلی آمیخته است، در دوره پهلوی استبداد حاکم بر اجتماع دستور از استعمار خارجی می‌گرفت از این رو چهره استعمار با استبداد با هم توأمان شده است هر جا که ظلم و ستم و زور و استبداد است عوامل پشت پرده استعمار در آن دخالت دارد، اصلی‌ترین مقاومت و مبارزه اخوان در مورد استعمار، مقاومت در برابر استبداد داخلی است زیرا اندیشه آنها به وسیله سرداران حکومتی به مردم دیکته می‌شود، اخوان چون هر جوان مبارز دیگری می‌داند برای راندن استعمار باید ابتدا دست نشانده او برکنده شود. او با روحیه مقاوم و مبارزه‌طلبی و با امید فراوان به پیروزی شعر می‌سراید در شعری به نام «درس تاریخ» که در سال ۱۳۲۸ سروده است، از پیروزی آرمانی سخن می‌گوید و امیدوارانه بیان می‌کند روزی از باده پیروزی سرمست خواهند شد:

عاقبت حال جهان طور دگر خواهد شد  
این شب تیره اگر روز قیامت باشد  
درس تاریخ به من مژده جان بخشی داد  
دشمنان گرچه به جدیت و جهدند  
آید آن روز که ما نیز به مقصود رسیم  
نان درویش اگر از خون دل و اشک تر است  
گوید امید، سر از باده پیروزی گرم  
زیر و زیر یقین زیر و زیر خواهد شد  
آخر الامر به هر حال سحر خواهد شد  
زور از بازوی سرمایه به در خواهد شد  
جهد و جدیت این قوم هدر خواهد شد  
وین خبر در همه آفاق سمر خواهد شد  
دشمنش غرقه به خوناب جگر خواهد شد  
رنجبر مظهر آمال بشر خواهد شد.  
(اخوان، ۱۳۸۷/رغنون: ۳۲)

اخوان تا قبل کودتا معتقد است که در برابر ظلم و جور شرایط موجود باید قیام کرد و عزت و آزادی را پاس داشت، نمونه‌ی والای مقاومت، شعر سگ‌ها و گرگ‌ها است که در قالب تمثیلی (فابل) سروده است، ظاهر شعر قصه‌ی سگ‌ها و گرگ‌ها در فصل زمستان است، سگ‌ها زیر سلطه‌ی اربابان خود در جای گرم زندگی می‌کنند و به تکه استخوانی شاد هستند اما گرگ‌ها از سرما به خود می‌لرزند و غذایی ندارند بخورند با این حال حاضر نیستند زیر سلطه‌ی کسی باشند؛ اما اخوان در پشت قصه‌ی ظاهری شعر بر آزادی انسانی تأکید دارد، «قصه‌ای که از زبان سگ‌ها و گرگ‌ها بیان می‌شود، روایت تمثیلی از انسان‌های جامعه است که برخی سگ‌صفتانه علی‌رغم دشواری و سختی همچنان برای تکه استخوانی دم می‌جانبند و در عوض آزادگانی هستند که سرما و گرسنگی را تحمل می‌کنند زیرا به آزادی ایمان دارند و نمی‌خواهند زیر یوغ اربابان بروند» (محمدی آملی، ۱۳۷۷: ۱۱۳) شعر با ترسیم یک فضای زمستانی آغاز می‌شود که تمثیلی از فضای سرد استعمار است اخوان بلافاصله از سگ‌ها می‌گوید. آواز سگ‌ها در سرما به گوش می‌رسد که با خود می‌گویند:

زمین سرد است و برف آلوده و تر / هوا تاریک و توفان خشمناک است / کشد -  
مانند گرگان - باد زوزه / ولی ما نیک بختان را چه باک است / کنار مطبخ ارباب،  
آنجا / بر آن خاک اره‌های نرم خفتن / چه لذت بخش و مطبوع است و آنگاه /

عزیزم گفتن و جانم شنفتن / وز آن ته مانده‌های سفره خوردن / و گر آن هم نباشد  
استخوانی / چه عمر راحتی دنیای خوبی / چه ارباب عزیز و مهربانی (اخوان، ۱۳۸۷:  
زمستان: ۷۴-۷۵)

در قسمت دوم شعر با ترسیم همان فضای سرد این بار آواز گرگ‌ها به گوش  
می‌رسد که در سرما زوزه می‌کشند اما حاضر نیستند برای لقمه نانی زیر یوغ  
حاکمان مستبد بروند، اخوان گرگ‌ها را به مناعت طبع و آزادی می‌ستاید و  
بدین‌گونه شعر را به پایان می‌برد:

درین سرما، گرسنه، زخم خورده / دویم آسیمه سر بر برف، چون باد / ولیکن  
عزت آزادی را / نگهبانیم، آزادیم، آزاد (همان: ۷۷)

تأکید بر مقاومت و آزادی در اشعار زکریا هم بسیار دیده می‌شود، اهم  
سرودهایش در خدمت انقلاب ملی است، او پیوسته در برابر استعمار مقاومت  
می‌کند، شعر او سراسر مقاومت و پایداری است. او نیز همچون اخوان در قصیده‌ای  
بر آزادی و آزادی تأکید دارد در این قصیده مبارزات ملی مردم را به تصویر  
می‌کشد و الجزایر را می‌ستاید و در راه آزادی کشور حاضر به جان باختن است.

ان الجزایر فی الوجود رسالۃ	الشعب حررها.. ورئک وقعا
ان الجزایر قطعۃ قدسیۃ	فی الکنون.. لحنها الرصاص و وقعا
وقصیده ازلینة، ابیاتها حمراء..	کان لها (نغمبر) مطلعا
نظمت فوافیها الجماجم فی الوغی	و سقی التجیع رویها.. فتدقعا
غنی بها حر الضمیر، فأیقظت	شعباً الی التحریر شمّر مسرعاً
سمع الأصم دویها، فعنا لها	و رأی بها الأعمی الطریق الأنصعا
ودری الألی، جهلوا الجزایر، أنها	قالت: «أرید»!! فصممت أن تلمعا
و دري الألی جحدوا الجزایر، أنها	ثارت.. وحکمت الیدما..

(زکریا، ۱۹۶۱: ۵۸)

یا در قصیده‌ای دیگر بیان می‌کند که برای رسیدن به آزادی از دست استعمار  
تنها راه، گذشتن از خون و شهید شدن است:

يا ثوره التحرير، صونى الحمى  
شقى الطريق فوق سيل الدما  
حرريه من يد الغاصبين  
وحطمي الطاغين و الظالمين<sup>۲</sup>  
(زکریا، ۱۹۶۱: ۹۱)

جلوه‌های مقاومت در برابر استعمار در شعر زکریا بیشتر از اخوان نمود دارد مبارزه و مقاومت اخوان قبل از کودتا است اما مقاومت زکریا تا پایان عمر شاعری‌اش دیده می‌شود به عنوان نمونه در نوامبر ۱۹۵۴ که شب آغاز انقلاب الجزایر و شب مقدسی است زکریا آن شب را که اولین گلوله‌ها برای مبارزه با استعمار شلیک شد با تشبیه به شب قدر ستایش می‌کند:

دعا التاريخ ليلك فاستجابا  
و هل سمع المجيب نداء شعب  
نوفمبر هل وفيت لنا النصابا؟  
فكانت ليلة القدر الجوابا  
و جلّ جلاله هتك الحجابا  
زكت و ثباته عن ألف شهر  
قضاها الشعب يلتحق السرابا  
تنزل روحها من كل أمر  
بأحرار الجزاير قد أهابا<sup>۳</sup>  
(زکریا، ۱۹۶۱: ۳۰)

یا در قصیده‌ای مقاومت در برابر استعمار را به جنگ بدر مانند کرده است که مسلمان در آن پیروز شدند:

نممبر غيـرت مجرى الحياه  
و ذكرتنا فى الجزاير بدرا  
و كنت نممبر مطلع فجر  
فقمنا نضاحى صحابه بدر<sup>۴</sup>  
(زکریا، ۱۹۸۶: ۶۹)

### حضور استعمار در جامعه:

در شعر اخوان حضور استعمار و به تبع آن استبداد در جامعه بعد از کودتای ۲۸ مرداد بیشتر نمایان است، چند شعر برجسته در این زمینه از او باقی مانده است، بهترین نمونه برای توصیف این حضور منظمه بلند شکار است، این منظومه از اشعار برجسته اخوان است که در آن شاعر با تمثیل صیاد و پلنگ، شکار، آبشار،

حوادث دهه سی و شکست نهضت ملی در برابر استبداد داخلی را که با توطئه امریکا صورت گرفت، ترسیم کرده است و چگونگی وقوع کودتا و چیره شدن استعمار بر کشور و گسترده شدن استبداد دوباره در جامعه را با زبان تمثیلی به تصویر می کشد این منظومه «شعری رمزی و تمثیلی است، شکار، صید، پلنگ همه و همه تمثیل از موقعیت های افراد جامعه ایران در دهه ۱۳۳۰ است، اخوان وقتی با شکست روبه رو می شود این حادثه را به طرز شاعرانه در منظومه ای به نام شکار روایت می کند تا آیندگان ماجرا را دریابند و بدانند که بر سر این قوم چه رفته است» (محمدی آملی، ۱۳۷۷: ۱۲۵) داستان از آنجا آغاز می شود که صیاد پیر، تفنگ خود را به دوش می اندازد و راهی جنگل می شود، شعر با تعریف جنگل و سیاهی شب و صیاد آغاز می شود، در آغاز همه چیز خوب است، صیاد در جنگل به کنار آبشار می رود با او گفتگو می کند و از شکاری که قرار است بکند برای او تعریف می کند. او منتظر است تا حیوانات برای آب خوردن به آبشار بیایند و او شکار کند، صیاد تمثیل مبارز جبهه ملی است و می تواند نمادی از خود مصدق باشد، حیوانات هم تمثیل دشمنان مردم هستند، ظهر می شود، او همچنان در کمین است، جانوران مختلف برای نوشیدن آب به آبشار می آیند، صیاد تیر را رها می کند به شکار می خورد اما فرار می کند و از او دورتر می رود، پیرمرد کولبار و تفنگش را رها می کند تا سریعتر بدود، اما غافل از این است که پلنگ گرسنه ای او را تعقیب می کند، پلنگ تمثیل کسانی است که با دسیسه استعمار توانستند بر صیاد پیر (نماد مصدق) پیروز شوند. خورشید غروب می کند، صیاد به کنار آبشار می رسد، شکار خود را می بیند که دم آبشار افتاده است، با شادمانی به شکارش می نگرد اما ناگاه پلنگ گرسنه که در تعقیب او بود حمله می کند، در قسمت بعدی اخوان از شب (نماد استبداد) سخن می گوید که بر جنگل سایه انداخته است و شعر را با توصیف غم انگیز در دیده شدن صیاد و پیروزی پلنگ و در تیرگی و فرو رفتن جامعه در یأس به پایان می برد:

شرم شفق پرید ز رخساره سپهر / هولی سیاه یافت بر آفاق چیرگی / شب  
می‌خزید پیش‌تر و باز پیش‌تر / جنگل می‌آرمید در ابهام و تیرگی / اکنون دگر  
پلنگ کناری لمیده سیر / فارغ چو مرغ در کنف آشیان خویش / لیسد، مکد، مزد، نه  
به چیزیش اعتنا / دندان و کام یا لب و دور دهان خویش (اخوان، ۱۳۸۸: ۸۱)

نمونه دیگر، شعر *آنگاه پس از تندر است* در این شعر «روایت اخوان از زمان و مکان، شخصیت‌ها و بازی، همه نماد و اشاره‌ای به محیط اجتماعی سیاسی است» (محمدی آملی، ۱۳۷۷: ۳۰۳) شعر ساختار تمثیلی دارد «ساخت آن متکی بر نقل قصه‌ای است. اسلوب بیانی نیز رمزی است در لایه ظاهری شرح شطرنج باختن ناقل است با زنی جادو که شباهت‌هایی با زنش دارد...» (اخوان، ۱۳۷۰: ۱۱۸)؛ اما در واقع قصه شکست مردم در برابر استعمار است، تندر نماد کودتا است که اخوان قصه پس از آن را روایت می‌کند، شاعر نماینده مبارزان سال‌های ۲۹ تا ۳۲ است که وارد بازی می‌شود، در ابتدا پیروز می‌گردد اما بعد متوجه می‌شود که شکست خورده است. شعر از پانزده بند تشکیل شده است؛ آغاز شعر سخن از بی‌خوابی شاعر است او با دلی پردرد برای خواننده درد آشنایی از بی‌خوابی و کابوس‌هایش سخن می‌گوید. در خواب با دو دست مرده‌ای که از آرنج قطع شده است روبه‌رو می‌شود. وحشت کرده، فرار می‌کند و می‌خواهد از در بیرون برود. اما پنجه‌ای خونین در را می‌بندد و آنگاه زالی از راه می‌رسد و قهقهه می‌کند با انگشت او را تهدید می‌کند و به او فرمان می‌دهد که بنشیند و شطرنج بازی کند.

آنگاه زالی جغد و جادو می‌رسد از راه / قاه‌قاه می‌خندد / و آن بسته درها را  
نشانم می‌دهد با مهر و موم پنجه خونین / سبابه‌اش جنبان به ترساندن / گوید  
بنشین / شطرنج (اخوان، ۱۳۸۷ / زاین / اوستا: ۴۳ - ۴۴)

زال جغد و جادو، ترکیبی سورئال و نمادین از استعمار کهنه انگلیس است که گویی از پیش نتیجه بازی را می‌داند و حریف را می‌شناسد. او مبارز (مصدق) را دستگیر کرده است و با تهدید او را دعوت به بازی شطرنج می‌کند. عرصه شطرنج

همان عرصه سیاست است که چگونه استعمار با طراحی نقشه حساب شده پیروز شد. اخوان شعر را با بیان سورئالیسم‌وار ادامه می‌دهد و پیروزی استعمار را با نمادها به تصویر می‌کشد و شعر با یأس تمام می‌کند.

شعر بعدی قصه شهر سنگستان است. این شعر نیز ساختار تمثیلی دارد. «از بهترین اشعار امید و از جمله اشعار موفق شعر معاصر فارسی است» (دست‌غیب، ۱۳۷۳: ۲۲۸)؛ شعر در فضایی اساطیری و حماسی بیان می‌شود. در سطحی اسطوره‌ای، حماسی و واقعی است به عبارتی دیگر با نمادهای اسطوره‌ای واقعیت را بیان کرده است. دو تا کبوتر روی درخت سدری نشسته اند و با «خواهر جان و خواهر جان» خطاب کردن هم گفتگو می‌کنند، آنها از بالای درخت کسی را می‌بینند که در زیر درخت به خواب رفته است. هر دو با هم گفتگو می‌کنند و حدس‌هایی از سرگذشت او می‌گویند تا اینکه هر دو نتیجه می‌گیرند که او بهرام ورجاوند است، بهرام ورجاوند به پهلوی *kaywahram* با لقب *warcawand* از نجات بخشان زرتشتی است که نامش در متن‌های پهلوی آمده است، دارای فره ایزدی و از ذروه خدایان است که پیش از روز رستاخیز بر خواهد خاست و ناپاکی‌ها را از بین خواهد برد. (همان: ۲۳۲) اخوان در این شعر استعمار را «دزدان دریایی» می‌نامد که به شهر شهزاده حمله کردند، مراد از حمله دزدان دریایی و قوم جادوان و خیل غوغایی، حادثه کودتا است و مراد از شهزاده شکست خورده هم احتمالاً مصدق است. شهر سنگستان نماد جامعه ایران است که در زمان کودتا تبدیل به سنگ شد و از کسی صدایی در نیامد و شهزاده مغلوب گشت.

بلی به جای آوردم او را، هان / همان شهزاده بیچاره است او که شبی دزدان دریایی / به شهرش حمله آوردند .... / بلی دزدان دریایی و قوم جادوان و خیل غوغایی / به شهرش حمله آوردند / و او مانند سردار دلیری نعره زد بر شهر / دلیران من ای شیران / زنان! مردان! جوانان! کودکان! پیران! / و بسیاری دلیرانه سخن‌ها گفت اما پاسخی نشنفت / اگر تقدیر نفرین کرد یا شیطان فسون، هر دست یا



دستان / صدایی بر نیامد از سری / زیرا همه ناگاه سنگ و سرد گردیدند / از اینجا نام او شد شهریار شهر سنگستان (اخوان، ۱۳۸۷ / زاین / اوستا: ۲۱-۲۲)

در شعر مفدی زکریا همانند شعر اخوان حضور استعمار به وضوح دیده می‌شود بلکه بیشتر از شعر اخوان نمود دارد «شعر او تاریخ معاصر الجزایر را ثبت کرده و بیانگر مبارزه و مقاومت الجزایر و دیوان حماسه جاودان آن است» (قادری، ۱۳۸۹: ۲۵۹)

زکریا در اشعارش حضور استعمار فرانسه بر کشورش با تعبیر مختلف بیان کرده است، در یک قصیده آمدن استعمار به کشورش را به زلزله ای مانند کرده که ناگهان اتفاق افتاده است:

أجهنم هذی التی أفواهها	من کل فجّ نعمة تنفجرُ
أم أرض ربک زلزلت زلالها	لما طغی فی أرضه المستعمره

(زکریا، ۱۹۶۱: ۱۳۳)

در قصیده‌ای با استفاده از صنعت تشخیص بیان می‌کند که با آمدن استعمار به کشورش دیگر گلوله‌ها سخن می‌گویند:

نطق الرصاص فما یباح کلام	و جرى القصاص فما یتاح ملام
و قضی الزمان فلامرد لحکمه	و جرى القضاء و تمت الاحکام
وسعت فرنسا للقیامه و انطوی	یوم النشور و جفت الاقلام

(همان: ۴۲)

همچنین اعمال و کردارهای زشت استعمارگران در جامعه، در لابه‌لای برخی قصاید اشاره کرده است مانند از بین بردن مذهب، ایجاد ناامنی در اجتماع، تجاوز به زنان و دختران، هدف قرار دادن شیرخواران و کشتن مردان و خراب کردن جامعه و فساد فرهنگی؛ به عنوان نمونه در همین قصیده او فرانسویان را همچون حیوان‌های وحشی گرسنه تصویر می‌کند که در الجزایر ظلم و ستم می‌کنند:

یا للفضاعة من وحوش جوع	تسمو علی أخلافها النعام
وضعت فرنسا فی الذاله بدعه	لم تروها الاعصار و هی ظلام

يا لعنته الأجيال أنت شهاده  
 أن التمدين للشورور لثام<sup>۷</sup>  
 (همان: ۴۳)

او جنایت‌های استعمارگران را که به اسم تمدن در الجزایر انجام می‌دهند به  
 سخره می‌گیرد؛

لغه التمدين للقوى ذریعه  
 و السلم ستر للنذاله باسمها  
 توتی الشورور و یستباح المنکر  
 بعضا و يتبلع الضعیف الاکبر<sup>۸</sup>  
 (همان: ۱۳۳)

مهم‌ترین قصیده در اشعار او در این زمینه قصیدهٔ *وقال الله* است که در آن  
 روحیهٔ انقلابی ملت و حماسه آنها را به تصویر کشیده است که چگونه با فداکاری  
 خود توانستند استعمار فرانسه را شکست دهند:

و هزت ثوره التحریر شعباً  
 و قال الله: کن یا شعب حرباً  
 فهب الشعب ينصب انصباباً  
 و قال الشعب: کن یا رب عوناً  
 على من ظل لايرعى جناباً  
 و قال الشعب: کن یا رب عوناً  
 على من بات لايششى عقاباً  
 قرار احداث العجب العجاباً  
 و قالوا فی الجزایر سوف یلقى  
 أجنبيها اذا انتصرت تباباً<sup>۹</sup>  
 (همان، ۱۹۶۱: ۳۲)

### واکنش دو شاعر به حضور استعمار در کشور

همان‌طور که گفته شد اخوان قبل از وقوع کودتا خواهان مبارزه با استبداد داخلی،  
 استعمار آمریکا و انگلیس بود اما با وقوع کودتا، اخوان راهی زندان شد و بعد از  
 آزادی از زندان روحیهٔ مقاوم خود را از دست داد و به ناامیدی گرایید به گونه‌ای  
 گویا حضور استعمار و چیرگی آن را پذیرفت و بعد از آن اشعارش رنگ اندوه گرفت  
 و صراحتاً اعلام کرد که از یأس می‌گوید: «من از وضعیت انسانی سخن می‌گویم، از  
 بیدادی که بر ما می‌رود من نمی‌توانم به مردم وعده‌های دورغین بدهم تا به  
 اصطلاح آنها را امیدوار نگه دارم» (قرایی، ۱۳۷۰: ۱۶). در مجموعه زمستان می‌گوید:

«اما من در این حال و هوا که مراست، نه امیدی که برایم رسالت تاریخی‌اش را از دست داده، بر خود به دورغ تحمیل کرده‌ام و نه یأسی را که از رنجش فارغ بوده‌ام» (اخوان، ۱۳۸۷، زمستان: ۱۱) در مقدمهٔ *آخر شاهنامه* می‌نویسد: «نومید بودن و نومید کردن نجیب‌تر و درست‌تر است از امید دورغین دادن و داشتن است چون حداقل فایدهٔ این نجابت و درستی این است که آدم، دورغ‌ها و پدر سوختگی‌ها را نخواسته و نیاراسته» (اخوان، ۱۳۸۷، *آخر شاهنامه*: ۱۶) در *مؤخره از این اوستا* هم خود را چنین معرفی می‌کند: «چنین گوید شکسته دل مردی خسته و هراسان یکی از مردم توس، ناشادی ملول از هست و نیست، سوم بردار سوشیانت، مهدی اخوان ثالث، بیمناک نیم‌نومیدی به میم امید مشهور، چاووشی خون قوافل حسرت و خشم و نفرین و نفرت، راوی قصه‌های از یاد رفته و آرزوهای برباد رفته...» (اخوان، ۱۳۸۷، *از این اوستا*: ۱۱۶).

بهترین نمونه برای واکنش اخوان نسبت به حضور استعمار بعد از کودتا در اشعارش شعر تمثیلی کتیبه است، این شعر یک فضای اساطیری دارد، اسطوره پوچی، اسطوره جبر، اسطوره شکست‌های پی در پی است. اخوان آن را از افسانه سیزیف یونانی اقتباس کرده است، تاریخ سرایش آن خرداد ۱۳۴۰ است این شعر گویای نسلی است که شکست تاریخی ۳۲ را تجربه کرده‌اند و تلاششان به هدر رفته است شعر از آنجا که در تار و پود طنزی سیاه تنیده شده در شمار یکی از موفق‌ترین آثار طنزآمیز شعر امروز ایران نیز به شمار می‌رود، گفته‌اند: «م.امید با کتیبه زیسته است و از آنچه سخن گفته، خود به تجربه دریافته است. به دیگر سخن، شعر عمیقاً از اصالت تجربه برخوردار است» (دوردیان، ۱۳۸۵: ۱۰۶) کتیبه، تخته‌سنگ جبر اجتماعی و سیاسی اوضاع کشور است که تلاش و تکاپوی نهضت ملی برای برگرداندن آن بی‌فایده شد، ظاهر شعر، قصهٔ بردگان زنجیر شده‌ای است که در بیابانی گرفتار آمده‌اند اما در واقع بردگان، تمثیل دل مردگان اجتماع هستند که به دنبال امیدی می‌گردند و عاقبت نمی‌یابند، اخوان نیز جزو یکی از آنهاست،

ندایی به آنها می‌گوید اگر سنگ بزرگ را بگردانند راز پشت آن را می‌فهمند، زنجیریان به طرف تخته سنگ می‌روند، در میان شک و تردید و هراس و خستگی تصمیم می‌گیرند که تخته سنگ را بگردانند تا شاید رهایی یابند. آنها به امید پیروزی تلاش می‌کنند اما تلاش طاقت فرسای آنها یک نتیجهٔ مضحک دارد که اوج ناامیدی است. بردگان وقتی تخته سنگ را بر می‌گردانند یکی از آنها بالای آن می‌رود تا نوشته را بخواند و می‌بیند که طرف دیگر آن نیز همان نوشته است: یکی از ما که زنجیرش سبک تر بود / به جای ما درودی گفت و بالا رفت / خط پوشیده را از خاک و گل بسترد و با خود خواند / و ما بی‌تاب / لبش را با زبان تر کرد / و ساکت ماند / نگاهی کرد سوی ما و ساکت ماند / دوباره خواند، خیره ماند پنداری زبانش مرد / ... / نوشته بود همان / کسی راز مرا داند / که از این رو به آن رویم بگرداند (اخوان ثالث، ۱۳۸۷ / از این اوستا: ۱۴ - ۱۵).

همچنین شعر زمستان چیرگی کامل استبداد و حضور دوبارهٔ استعمار در کشور است. اخوان در این شعر با ساخت نمادین یکی از دقیق‌ترین نگاه‌ها را نسبت به جامعهٔ استبداد زده دارد در واقع این شعر استشمام واقعی هوای بیرونی اجتماع است. تاریخ سرایش آن دی ماه ۱۳۳۴ است. واژهٔ «زمستان» نماد یأس و اختناق و دل‌مردگی حاکم بر جامعه است. همهٔ تصاویر شعر نیز نشان دهندهٔ نگرش شاعر نسبت به حال و هوای حاکمیت استبدادی بعد از کودتا است که اسباب آزرده‌گی شدید وی شده است. تنهایی، خفقان، خاموشی، عدم آزادی بیان، به باد رفتن آرزوها، شکاف و پراکندگی بین یاران و همفکران، عهدشکنی‌ها، بی‌توجهی به همگی، شاعر را متوجه حاکمیت استبداد موجود در جامعه و حضور استعمار می‌کند: سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت / هوا دلگیر، درها بسته، سرها در گریبان، دست‌ها پنهان / نفس‌ها ابر، دل‌ها خسته و غمگین / درختان اسکلت‌های بلور آجین / زمین دلمرده، سقف آسمان کوتاه / غبارآلوده مهر و ماه / زمستان است. (همان، زمستان: ۱۰۹).

زکریا برخلاف اخوان روحیهٔ مقاوم و مبارزه طلب دارد. کلمات شعرش همچون سلاح تیزی عمل می‌کنند و باعث انگیزه مظلومین و ترس ظالمان می‌شود او همواره در این رؤیا است که وطنش برخوردار از آزادی باشد، لحن شعر او تند و شکننده است؛ همه معانی پر صلابت را با جرأت و شجاعت و توانایی‌های فنی بالا و با اسلوبی ناقدا نه و تأثیرگذار بیان می‌کند. روحیه یأس و شکست در شعر او وجود ندارد و قصایدش پیرامون انقلاب، پایداری و مقاومت است.

دلیل اصلی مقاومت او پیروزی مردم در انقلاب بود که توانستند فرانسه را از خاک کشورشان بیرون کنند اما در شعر اخوان که نماینده اوضاع دهه سی و چهل است، استعمار که نزدیک بود برچیده شود بار دیگر با کودتا بر آسمان کشور سایه انداخت، اخوان در زندان امید خود را از دست داد و بعد از آزادی از یأس گفت اما زکریا در اسارت نیز در زندان بربروس همچنان از انقلاب و مقاومت گفت، انقلابی بودن از اصلی‌ترین مؤلفه‌های شعر زکریا است شعرش آینه‌ای از گسترش روحیه‌ای انقلابی است. او هرگز به یأس نگرایید چون مردم همچنان با استعمار مبارزه می‌کردند اما در ایران مبارزان اصلی بعد از کودتا تبعید و اعدام شدند، عده‌ای فرار کردند و مردم عادی نیز شرایط تازه را پذیرفتند و بدتر اینکه عده‌ای از مردم خودی که دست‌نشاندهٔ استعمار و عوامل استبداد بودند از موقعیت تازه ایجاد شده، خشنود بودند و فضا را بر آزادی خواهان تنگ کردند از همین رو در شعر اخوان امیدی، روحیهٔ مقاومت نیست ولی در اشعار زکریا پایداری و مقاومت یک اصل است و همهٔ مردم فقط به مبارزه و دورانداختن استعمار می‌اندیشند، همان‌طور که مردم در انقلاب اسلامی همه با هم استبداد و استعمار را از خاک کشور راندند، زکریا معتقد است در راه وطن، مبارز به آرمان خود پایبند است با افتخار، شادی و سرور به سوی چوبه دار حرکت می‌کند و جانانه جسم را فدای آزادی وطن می‌کند و آنگاه از آن جایگاه بلندی که دارد احساس عزت و افتخار می‌کند.

شامخاً أنفه جلالاً و تیهاً رافعاً رأسه یناجی الخلودا

وامتطی مذبح البطوله مع راجاً و وافی السماء یرجو المزیدا<sup>۱۰</sup>  
(زکریا، ۱۹۶۱: ۹۰)

از آنجا که مرگ او حیات کشور و آزادی آن است مبارز با آغوش باز از آن استقبال می‌کند. او با فدا شدن، آزادی و سعادت را به سرزمینش می‌بخشد  
واقض یا موت فی ما أنت قاض أنا راض إن عاش شعبی سعیدا  
أنا إن مت فالجزایر تحیا حره مستقله أن تبیدا<sup>۱۱</sup>  
(همان)

در قصیده‌ای فداکاری و جان‌فشانی‌های الجزایریان را در راه وطن می‌ستاید و استعمار فرانسه را به سخره می‌گیرد:

ثارت علی الظلم مثل السل جارقه فلا الفیالق تثنیها و لا الفرق  
جیش الی النصر تحدوه ملانکه مسوّمون بموج الموت یندفق  
لم یثنه دون إدارک المنی رهق و إن هم أحرقوا بالنار أشنقوا  
هذا الذی یا فرنسا تهدفین له جهلا أما فی فرنسا حازم حذق؟  
وضع السلاح أحادیث ملفقه خرافه صاغها للکید مختلق<sup>۱۲</sup>  
(همان، ۲۷)

### نتیجه

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در شعر اخوان ثالث و مفدی زکریا مفهوم استعمار محور اصلی اغلب اشعار است. در شعر اخوان، استعمار آمریکا و انگلیس در دوره پهلوی دوم و در شعر زکریا استعمار فرانسه بیان شده است. اشعاری که اخوان در آنها بر این مسأله تأکید کرده است مربوط به حوادث سال‌های دهه سی و چهل است، اوج شاعری‌اش، زمانی است که با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بار دیگر استعمار در کشور حضور یافت؛ شعر زکریا حوادث مربوط به سال‌های مبارزه مردم با استعمار فرانسه تا پیروزی است. هر دو شاعر نفوذ استعمار بر جامعه را در اشعارشان بیان کرده‌اند، اخوان با استفاده از نماد و تمثیل و زکریا با کاربرد صورخیال حضور استعمار را بیان کرده است، هر دو شاعر از وجود استعمار در جامعه بیزارند و آزادگی

را می‌ستایند. تنها تفاوت بسیار مهم دو شاعر در این خصوص این است که اخوان در واکنش به حضور استعمار روحیهٔ مقاوم گذشته را از دست می‌دهد و به ناامیدی گرائیده است. او که قبل از کودتا از آزادی و مبارزه و مقاومت در برابر استبداد و استعمار شعر می‌گوید، بعد از کودتا در اشعارش پیروزی استبداد و گسترده شدن استعمار را بر جامعه ترسیم کرده و به یأس گرائیده است؛ مفدی زکریا روحیهٔ مقاوم و مبارزه طلب خود را تا پایان شاعری دارد زیرا مقاومت مردم سرانجام منجر به انقلاب شد و استعمار بیرون رفت اما در شعر اخوان با کودتا استعمار بار دیگر چیره شد.

### پی‌نوشت

۱- الجزایر، پیمای در جهان است که ملت آن نگاشته و پروردگارت آن را امضا [و عملی] نموده است/ الجزایر، قطعه‌ای موسیقی مقدس در جهان است که صدای گلوله‌ها آن را نواخته است./ الجزایر، قصیده‌ای ازلی که ابیات آن خونین و قرمز رنگ است که امضا شده است و ماه نوامبر، بیت آغازین آن است./ مجسمه‌ها در میدان جنگ، قافیه‌های آن را سرودند و خون، تشنگی آن را برطرف کرد در نتیجه به راه افتاد./ آزاده‌ای، این سروده را خواند و به وسیله آن ملتی را بیدار نمود که بی‌درنگ و با شتاب برای آزادی آستین همت بالا زدند./ به گونه‌ای که حتی ناشنویان صدای خروش آن را شنیدند و به سوی آن روی برگرداندند و کورها نیز در پرتو نور این انفجار عظیم، راه خود را کاملاً روشن و واضح یافتند و مشاهده کردند./ دشمنان فهمیدند که نمی‌دانستند الجزایر گفته است «می‌خواهم». بنابراین تصمیم گرفت که بدرخشد. (یعنی دشمنان دریافتند که درباره الجزایر دچار اشتباه شده بودند. زیرا هر گاه الجزایر تصمیم بگیرد که هدفی برسد قطعه در این زمینه موفق خواهد شد و عملاً نیز این امر تحقق یافت)/ دشمنان دریافتند که درباره الجزایر دچار اشتباه شدند و الجزایر قیام کرد و خون را به عنوان داور [میان خود و دشمنان] برگزید [و سرانجام خون بر شمشیر پیروز گردید].

۲- ای انقلاب آزادی‌بخش، از حریم‌ها [کشور] دفاع و حمایت و آن را از دست غاصبان آزاد کرد و بر فراز سیل خون [شهدا] راه خود را به جلو بگشا و سرکشان و ستمگران را نابود گردان.

۳- تاریخ، شب تاریک تو را فراخواند و شب تو به آن پاسخ داد که آیا حق ما را به طور کامل ادا

کردی؟ / آیا خداوند دعای مردمی را شنید که شب قدر، پاسخ آن بود؟/ و شب مبارک تو همچون ستاره درخشانی، خجسته شد و خداوند پرده تاریکی شب را کنار زد. قیام این ماه، ارزشمندتر از هزار ماه بود که مردم در راه مبارزه با سراب سپری کردند. / روح [انقلاب] برای [فرود آوردن و انجام] هر امر و فرمانی برای آزادگان و ملتی که دشمن را به خوف و رعب افکنده‌اند فرود می‌آید.

۴- حوادث ماه نوامبر، باعث تغییر مسیر زندگی شد و ای نوامبر! تو سرآغاز سپیده‌دمی. / ای ماه نوامبر، در الجزایر ما را به یاد بدر ماه انداختی و ما همانند اصحاب پیامبر (ص) در بدر [علیه تاریکی] قیام کردیم.

۵- آیا این [سرزمین الجزایر، برای فرانسوی‌ها] جهنم است که دهانه آن از هر دره‌ای برای انتقام باز شده است یا زمین پروردگارت است که به دنبال سرکشی استعمارگران در آن، به شدت دچار زلزله شده است؟

۶- گلوله به سخن آمد. پس مجال کلام و سخن نیست و قصاص انجام گرفت و جای ملامت نیست. / قدر، حکم کرد و هیچ چیز نمی‌تواند مانع تحقق حکم آن شود و قضا، نیز انجام گرفت (حکم صادر کرد) و احکام صادره تحقق یافت. / فرانسه تلاش کرد تا قیامت برپا شود و روز قیامت نیز سپری شد و قلم‌ها خشک گردید. (حکم قضاوت پایانی در محشر صادر گردید). یعنی ما اجل محتوم شما هستیم و شمار به دوزخ خواهیم فرستاد.

۷- عجب کار زشت و جنایتی که از سوی وحشیانی صورت می‌گیرد که از نظر اخلاق، چارپایان از آنها بهترند. / فرانسه در زمینه حقارت، بدعتی را پایه‌گذاری کرد که حتی قرن‌ها و دوره‌های سیاه (گذشته) نیز، این امر را به خود ندیده و روایت نکرده‌اند. / ای بلای نازل شده بر نسل‌ها، تو خود گواهی می‌دهی که تمدن، برای پلیدان و بدذاتان، نقابی بیش نیست.

۸- زبان تمدن، بهانه‌ای از سوی قدرتهاست که مانند دزدها در سایه آن پنهان می‌شوند. / صلح، پوششی برای حقارت است که در پوشش آن، اقدامات پلید انجام می‌گیرد و امور ناروا، روا دانسته می‌شود. / مردم به خاطر طمع‌ورزی در حال خوردن (ضربه زدن به) یکدیگر هستند و فرد قوی، ضعیفان را می‌بلعد (و نابود می‌کند).

۹- انقلاب آزادی ملتی را بیدار کرد و ملت به شدت شروع به انقلاب کردند. / خداوند فرمود: ای مردم به جنگ کسانی بروید که حسن همجواری را رعایت نمی‌کنند. / ملت نیز گفتند: خدایا خودت یاور کسانی باش که دیگر، از عذاب نمی‌ترسند. / در نتیجه مردم، تصمیمی را اتخاذ کردند که مایه شگفتی فراوان گردید. / گفتند الجزایر، پس از پیروزی بر بیگانگان، آنها را نابود خواهد کرد.



۱۰- و کشورم با شکوه و با عظمت، سربلند و جاودانه باقی بماند. / پا به مسلخ مبارزه نهاد و عروج کرد و به آسمان بازگشت و در انتظار جایگاه والاتری بود.

۱۱- ای مرگ! هر کاری را که می‌خواهی انجام بده، اگر هموطنانم خوشبخت باشند من به آن راضی هستم. یعنی برای من خوشبختی هموطنانم اهمیت دارد نه زنده ماندن خودم. / اگر من بمیرم اهمیتی ندارد، بلکه مهم آن است که الجزایر، آزاد و مستقل باقی و از نابودی در امان بماند.

۱۲- الجزایر در مقابل ظلم مانند سیل خروشان و ویرانگری قیام کرد. نه سپاه‌ها و نه لشکرها قادر به مقابله با آن و بازداشتن آن نبودند. / ارتشی که بهترین فرشتگان نشاندار آن را به سوی پیروزی هدایت می‌کنند و آن ارتش با حرکت خود، برای دشمنان مرگ را به ارمغان می‌آورد. / خستگی مانع رسیدن این ارتش به اهدافش نشده است، حتی اگر در این راه، آنها را آتش بزنند یا به دار بیاویزند. / ای فرانسه! این همان چیزی است که برای رسیدن به آن تلاش می‌کنی. آیا در فرانسه فرد دوران‌دیش و خردمندی وجود ندارد؟ / سلاح بر زمین گذاشتن، شایعه‌ای ساختگی و موضوعی خیالی است که برای نیرنگ و فریب آن را ساخته‌اند.

## منابع

- اخوان ثالث، مهدی، ۱۳۸۷، *ارغنون*، تهران: زمستان.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، *زمستان*، تهران: زمستان.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، *آخر شاهنامه*، تهران: زمستان.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۷)، *از این اوستا*، تهران: زمستان.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۰)، *ناگه غروب کدامین ستاره*، یادنامه مهدی اخوان ثالث، تهران: بزرگمهر.

- \_\_\_\_\_، (۱۳۸۸)، *گزیده اشعار*، گزینش غلامرضا بروسان، تهران: شاملو.
- آشوری، داریوش، (۱۳۵۸)، *فرهنگ سیاسی*، چ دوازدهم، تهران: مروارید.
- السید، محمود، *تجلی المقاومة فی الشعر العربی المعاصر*.
- براهنی، رضا، (۱۳۷۱)، *طلا درمس (در شعر و شاعری)* شهر، نویسنده.
- بهبهانی، سیمین، (۱۳۸۵)، *اخوان شاعر شکست*، *باغ بی‌برگی (یادواره مهدی اخوان ثالث)* به کوشش مرتضی کاخی، تهران: سروش.
- توکلی، مهرا، (۱۳۸۵)، *استعمار، استعمارگری، استعمارزدایی*، جهان سوم، تهران: نی.

- بیظام، مصطفی، (۱۹۹۸)، الثورة الجزائریه فی شعر المغرب العربی، الجزائر: دیوان المطبوعات الجامعیه.
- حسن لی، کاووس، (۱۳۹۱)، گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- خمار، محمد بلقاسم، (۲۰۰۰)، حوار مع الذات، دمشق: اتحاد الكتاب العرب.
- درار، اتیسه برکات، (۱۹۸۴)، ادب النضال فی الجزائر، الجزائر: المؤسسة الوطنیه للكتاب.
- درودیان، ولی الله، (۱۳۸۵)، سرچشمه های مضامین شعر امروز ایران، تهران: نی.
- دریابندی، نجف، (۱۳۸۵)، اخوان شاعر شکست، باغ بی‌برگی «یادواره مهدی اخوان ثالث» تهران: سروش.
- دست غیب، عبدالعلی، (۱۳۷۳)، نگاهی به اخوان ثالث (نقد شعر مهدی اخوان ثالث)، تهران: مروارید.
- دوغان، أحمد، (۱۹۹۶)، فی الادب الجزائری الحديث، دمشق: اتحاد کتاب العرب.
- رکیبی، عبدالله، (۱۹۸۱)، الشعر الدینی الجزائری الحديث، الجزائر: الشركة الوطنیه للنشر و التوزیع.
- زارع، غلامعلی، (۱۳۸۷) «ویژه‌نامه ایران و استعمار بریتانیا: دولت استعماری انگلیس در آیینه شعر معاصر فارسی»، مجله مطالعات تاریخی، شماره ۲۲، صص ۱۳۰-۱۴۳.
- زرقانی، مهدی، (۱۳۸۳)، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- زکریا، مفدی، (۱۹۶۱)، اللهب المقدس بیروت: منشورات المكتب التجاری.
- \_\_\_\_\_، (۱۹۸۶)، الیاذه، الجزائر، نام شهر: مؤسسه الوطنیه للفنون الجمیله.
- قادری، فاطمه، (۱۳۸۹) «مفدی زکریا و شعر مقاومت الجزائر»، مجله ادبیات پایداری دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۲، صص ۲۳۹-۲۶۰.
- قرایی، یدالله، (۱۳۷۰)، چهل و چند سال با امید، تهران: بزرگ مهر.
- محمدی آملی، محمدرضا، (۱۳۷۷)، آواز چگور (زندگی و شعر اخوان ثالث)، تهران: ثالث.
- مجیدی سلوکی، علی، (۱۳۷۵)، الجزائر، تهران: وزارت امور خارجه.
- موثقی، سید احمد، (۱۳۷۴)، جنبش های اسلامی معاصر، تهران: سمت.
- نجمی، ناصر، (۱۳۷۷)، دکتر مصدق بر مسند حکومت، تهران: نشر پیکان.